

ملاحظات

عنوان	سوره ذکر (هذه سورة الذكر....)
وجه تسمیه لوح به عنوان مذکور	
صاحب اثر	حضرت بهاء الله
سال نزول	در اواخر ایام بغداد
محل نزول	بغداد
لسان نزولی	
لحن نزولی	
کلام نزولی	
مصدر	آثار قلم اعلی، جلد ۴، صفحات ۲۴۵-۲۳۶
مطلع	هذه سورة الذكر قد نزلت بالفضل.... هذا كتاب نقطة الاولى....
انتهای لوح	
مخاطب	مخاطب اصلی لوح معلوم نیست و لکن اهل بیان به طور اعم مورد خطاب جمال اقدس ابهی واقع گردیده اند.
اسامی نفوس مذکوره	
اسامی اماکن مذکوره	
الواح دیگر مذکور در متن این لوح	
الواح دیگر با همین عنوان	
مواضیع و الواح دیگر که با مطالب	

	این لوح شباهت و ارتباط دارند
	نصایح و اندازات احکام
	اشارات به کتب مقدسه قبل
	مناجاتهای نازل در متن لوح
	شئون و سبک نزولی
	ترجمه های این لوح
	ترجمه های غیر رسمی
	منابع فارسی
	منابع عربی
	منابع انگلیسی
	نسخه شناسی
	به خط
	نوع نسخه

سایر ملاحظات

<ul style="list-style-type: none"> • اگر چه مخاطب اصلی مشخص نبوده و لکن به او میفرمایند که ما توسط محمد برای تو لوحی فرستادیم قوله تعالی: "انا نزلنا علیک الآیات من قبل و ارسلناها الیک بید احد من عبادنا الذی سمی بمحمد.... ان رأیت محمدا ذکره من لدنا...." • در متن این لوح مبارک خطاب به محمد فوق الذکر بیاناتی نازل گردیده است قوله الکریم: "قل یا محمد انا وصیناک فی الکتاب....." • مخاطب دیگری نیز در این لوح مورد لطف جمال قدم واقع گردیده است و نامش احمد اخوی محمد فوق الذکر است قوله العز: "ثم اذکر اخیک الذی سمی باحمد...." 	۱
هدف اصلی این لوح تذکر و تنبه اهل بیان است.	۲

اهم مواضع موجود در این لوح

۱	این کتاب از طرف حضرت نقطه اولی است بسوی کسانی که به خدا مومن هستند. "هذا کتاب نقطة الاولى الى الذینهم آمنوا بالله الواحد الفرد العزیز العلیم...."
۲	حضرت اعلی اهل بیان را که در ایمان به ظهور توقف نموده اند خطاب می کند شاید که از خواب غفلت برخیزند. "فیه یخاطب الذینهم توقفوا فی هذا الامر من ملاً البیانین لعل یتشعرون ببدایع کلمات الله و یقومن عن رقدا لغفلة..."
۳	ای قوم از من (حضرت نقطه اولی) خجالت بکشید. کسی که ظاهر شده است بدرستی که او بهاء عالمین است و او بهاء خداوند است (بهاء الله). بشتابید بسوی رضوان رضای او و مواظب باشید که از او محروم نگردید. "قل یا قوم فاستحیوا عن جمالی انّ الذی قد ظهر بلحقّ انّه لبهاء العالمین لو انتم من العارفین و انّه لبهاء الله علیه ذکر الله و ثنائه ثم ثناء اهل ملاً الاعلی ایاکم ان تحتجیوا بما خلق بین الارض و السماء ان اسرعوا الی رضوان رضائه...."
۴	وحدانیت حضرت نقطه اولی و حضرت بهاء الله: بگو جمال او جمال من است و حقیقت نفس او حقیقت نفس من است و هر چه در بیان نازل گردیده بخاطر امر محکم او بوده است. "قل انّ جماله کان جمالی بالحقّ و ان نفسه نفسی و کلمنا نزلناه فی البیان قد نزل لامره المحکم البدیع...."
۵	من (حضرت باب) عهد ایمان به او (حضرت بهاء الله) را قبل از عهد ایمان به خودم از شما دریافت داشتم. "اخذت عهد نفسه قبل عهد نفسی"
۶	اگر بخاطر عشق به او نبود من (حضرت اعلی) هرگز خود را بدست مشرکین نمی دادم و خود را در هوا معلق نمی کردم- قسم به حق که بخاطر عشق و شوق رسیدن به او این همه عذاب را قبول نمودم و متحمل شدم آنچه که هیچ رسولی تحمل نمود. "لولا ما القیت نفسی بین یدی المشرکین و ما علقت بین الهواء تالله باشتیاقی الیه و شوقی الی نفسه قد حملت ما لاحمله النبیین والمرسلین....."
۷	هدف اصلی در بیان شناخت و ایمان به موعود بوده است. اراده ای در بیان غیر از او (حضرت بهاء الله) نداشتم و غیر از او ذکر نمی نمودم. "انی ما اردت فی البیان الا نفسه و لا من الاذکار الا ذکره و لا من الاسماء الا اسمه المبارک الامنع الاقدس الابدع البدیع"
۸	مقصود از ربوبیت، الوهیت و مقصود همانا او بوده چه که او است محبوب من و جمیع عارفان سبیل مقصود. (مقصود از ذکر ربوبیت- ربوبیت او بوده....). "فو عمری لو ذکرک ذکر الربوبیته علی کلّ الاشیاء و ان جری من

	قلمی ذکر الالهیه ما کان مقصودی الا اله العالمین وکذلک فی المحبوب انه قد کان محبوبی و محبوب العارفين....."
۹	ای اهل بیان شما مرتکب شدید در حق موعود بیان آنچه را که اهل فرقان نکردند با موعودشان که من باشم و اهل یهود مرتکب نشدند نسبت به حضرت مسیح. "وانتم قد فعلتم بنفسه ما لا فعل امّة الفرقان بنفسی ولا ملاً اليهود بالروح....."
۱۰	او (حضرت بهاءالله) کسی است که دیانت بیان و رضوان بیان بخاطر وجودش خلق گردیده است و ای افسوس بر شما که از او غفلت نمودید. "انه لهو الّذی قد خلق رضوان البیان لنفسه فآه آه عن غفلتکم یا ملاً البیان فآه آه من احتجابکم یا ملاً المشرکین....."
۱۱	تبلیغ امرالله و عدم احتیاط در این شریعتی که جمیع براهین و حجت ها در حولش می گردد. "ما لک الآ بان تبّلع النّاس امر ربک وتدعوهم الی الرّضوان "....."..... لا یكون محتاطا فی هذا الامر الذی یطوف فی حوله الحجّة و البرهان"
۱۲	وظیفه ما تبلیغ امرالله است و عرضه داشتن حقایق الهی- هر کس که قبول نماید حسابش با خودش است. "..... من اقبل الی الله فلنفسه و من اعرض فعلیها و مالک الابان تبّلع النّاس امر ربک....."
۱۳	اگر نفسی این ظهور را قبول ننماید- بعینه مثل آنست که انبیای قبل را قبول ننموده. "لا مفرّ لاحد الآ بان ینکر رسل الله من قبل او یتبع هذا الامر....."
۱۴	قدر این ایام را دانستن و اوامر حق را انکار نمودن. "قل یا قوم ان اعرفوا قدر تلك الايام ولا تكوننّ من الذینهم نبذوا امرالله عن ورائهم وکانوا من اهل الخسران....."